بسم الله الرحمن الرحیم

لبول کبد

خانه های شش گوش هست که در اطرافش صفرا قرار دارد.

در بحث سرطان شناسی

سمی که ماحصل تغذیه سلول های بدخیم هست اگر از بدن خارج نشوند این سم بدن را از بین می برد. خود شیمی درمانی هم سم فراوانی در بدن تولید می کند که باید فعالیت پاکسازی بدن به سرعت و سهولت انجام شود.

بیشترین وظایف کبد با متابولیسم یعنی سوخت وساز همراه است. مواد غذالیی که می خوریم در بدن ایجاد حرارت و سوخت و ساز می کند. تجزیه محصولات گوارشی در کبد انجام می گیرد

به چرخش انداختن ویتامین ها و املاح معدنی و ترکیبات انزیمی از کبد انجام می شود. تولید صفرا در کبد. سلول های کبد، صفرا را به مجاری صفراوی لبولی و بعد مجرای کبدی و بعد کیسه صفرا می ریزد.

فرایند مواد مغذی

کبد مواد مغذی را از خون می گیرد. قندهای ساده مثل گلوکز را می گیرد و به گلیکوزن تبدیل می کند و اسیدهای آمینه را می سازد.

تنظیم گلوکز خون توسط کبد انجام می شود. با تبدیل چربی و پروتئین به قند، سطح قند خون را ثابت نگه می دارد. پس کسانیکه قند خونشان بالا و پایین می شود، کبد فعالیت خودش را به خوبی انجام نمی دهد. اثر کاسنی هم پاکسازی سلول های کبدی را انجام می دهد. در کبد چرب و مسمومیت های کبدی و هپاتیت.

کار دیگر سم زدایی هست.

مواد خطرناک که در خون حرکت می کنند مثل الکل و باقی سموم را خنثی می کند. مواد زائد و اسیدهای امینه را به اوره تبدیل می کند و از طریق مجاری ادراری دفع می کند. پس اگر در آزمایش ادرار میزان اوره خون بالا بود باید کبد و کلیه ها بررسی شود.

ساخت پروتئین:

کبد پروتئین هایی که برای انعقاد خون لازم هست را می سازد.

ذخیره کردن ویتامین ها و املاح معدنی:

کبد انبار مواد معدنی مثل آهن و مس و ویتامین های محلول در چربی که «a , b , k . b12

باکتری ها و ذرات بی گانه را حذف می کند

بازیافت مواد سلولی خونی

گلبول های قرمز خون تخریب می شوند و

در مجموع بیماری های کبدی شخص دچار زردی می شود چون کبد نمی تواند کارش را به درستی انجام دهد.

آناتومی بیرونی کبد

کبد از دو لب راست و چپ تشکیل شده است.

لب راست بزرگتر است. این دو لب بوسیله ربات داسی شکل از هم جدا می شوند.

کیسه صفرا بطور کامل بوسیله قسمت پایین لب راست پوشیده شده است.

کبد ، لوزالمعده یا پانکراس و کیسه صفرا اندام های اصلی گوارش هستند. جذب و سوخت و ساز غذاها و نوشیدنی ها و داروها

اگر فردی مداومت بر مصرف داروها داشت، این سموم در کبد می مانند. چون کبد پاکسازی کننده بدن هستند و سموم خون و بدن را در خودش جمع می کند. لذا اگر زیاد شود به شدت به کبد فشار می آید لذا به داروهای پاکسازی کننده کبد به شدت نیازمند می شویم که یکی از مهمترینشان کاسنی هست

خود کبد هم در معرض عفونت و آسیب قرار می گیرد. بیشتر این بیماری ها برای کبد الکلی و هپاتیت است. این دو بر می گردد به سبک زندگی. که سبک زندگی نقش اساسی در پیشگیری و درمان دارد

کبد الکلی:

اولین اثر مخرب الکل در کبد هست. کبد الکلی در آمریکا و اروپا به شدت رایج و خطرناک است. دومین عارضه ، سکته قلبی است. بیشترین درصد سکته های قلبی در آمریکا و روسیه هست که بیشترین مصرف الکل را دارند. در کتب طبی غربی ها نیز این موارد بررسی می شود.

بعضا می گویند که مصرف الکل سوخت و ساز را بالا می برد و چربی ها را می سوزاند پس از سکته جلوگیری می کند. ما می دانیم که خداوند در حرام ، شفا قرار نداده است. بنده کار تحقیقی انجام دادم و متوجه شدم که چنین اتفاقی از جهت علمی پیش نمی آید. دلیلش اینست که : وقتی مصرف مواد الکلی شود، بدن شخص داغ می شود و سینه و گردنشان سرخ می شود. حدود 5 لیتر در بدن خون داریم. در شخص بالغ. وقتی شخص مشروب می خورد اکثریت این خون به سطح پوست می آید لذا شخص گلگون می شود و ناحیه گردن و سینه سرخ می شود. اکثریت این خون چون به سطح پوست می آید در نواحی سرد مثل روسیه و سیبری می خورند تا گرم شوند. پس عمق بدن کم خون می شود پس خون رسانی به عضله قلب کمتر خواهد شد. خونرسانی به کبد و کلیه ها کمتر خواهد شد. وقتی عضله قلب فعالیت می کند نیاز به تغذیه دارد. اگر تغذیه نشود آسیب می بیند. دیدیدم همان اتفاقی که در گرفتگی عروق کرونری می افتد، در اینجا نیز می افتد. چون اکثر خون به سطح آمده است، خون عمقی کم می شود و لذا قلب برای خون رسانی به کل بدن ، فعالیتش بیشتر می شود پس نیاز به تغذیه بیشتری دارد در حالیکه خون کمتری به او می رسد

مواد پروتئینی پرچرب مصرفش در امریکا زیاد است.

مدتی گذشت. حدود یکسال و نیم. همان مجله، مقاله ای چاپ کرده که مواردی را در بالینی دیدیم که عکس آن اتفاق افتاده بود. و نوشته بود که بدلیل کم خونی عمق بدن، مشکلات بیشتر پیدا می شود.

مثل آسپرین که خیلی شیوع پیدا کرده است. طبیبی که می گوید روزی یک آسپرین بخوریدوگرنه سکته می کنید. در حالیکه در جدیدترین مقاله نوشته است: درست هست که ممکن است جلوی سکته قلبی را بگیرد ولی احتمال سکته مغزی را بیشتر می کند. و اگر سکته قلبی شود بهتر است چون احتمال برگشتش بیشتر است.

بالای 90 درصد داروهای خونساز و تقویتی و... درونش الکل است. چون آن ماده در الکل حل می شود لذا حتما باید با الکل ساخته شود. در اینجا می گویند اگر درمان منحصر در آن باشد، اشکال ندارد.

نقوع یکی از موارد داروسازی در طب سنتی است. این نقوع می تواند در آب یا الکل یا روغن باشد. این ماده چون در چیز دیگری حل نمی شود و قابل نگهداری نیست لذا در عصاره گیری این کار را انجام می دهند. در بعضی عصاره آبی انجام می دهیم که همان جوشاندنی است. و بعضا با الکل هست.

در طب سنتی هم مواردی داریم که با حرام درمان می کنند ولی درطب اسلامی اینچنین نیست.

جندبیدسکر که همان بیضه سگ هست و فراوان در منابع آمده است ولی وقتی بدل و جایگزین داریم چرا از این استفاده شود. یا مواردی داریم که بوعلی می گوید فلان دارو را در شراب بخیسانید. من همه را جایگزینش شیره می دهم. یا سرکه شیره

بله اگر موارد درمان انحصار در حرام باشد اشکالی ندارد.

بهترین جایگزین شراب در طب سنتی؛ سرکه شیره است. (درصدش 2 به 5 )

سرکه شیره ، اعصاب را تقویت می کند. یکی از داروهای مهم کم خونی ، پاکسازی کبد و معده را انجام می دهد.

هر چیزیکه واجب و مستحب هست مزاج را گرم می کند و الا مزاج را سرد می کند.

نوزاد با مزاج گرم خودش وارد می شود و هر کسی که خارج می شود با مزاج سرد خارج می شود. طب سنتی می خواهد مزاج را گرم نگهدارد. تمام اعمال مستحب و واجب، گرم کننده مزاج هستند و تمام اعمال حرام و مکروه، سرد کننده مزاج هستند.

گردن خودتان را پل عبور قرار ندهید و فتوا ندهید و هر چیزی که شنیده اید را نگویید.

همین الکل که شنیدید برای قلب خوب است سریع نپذیرید و منتقل نکنید. یا آسپرین که داروی مشهور برای سرماخوردگی بود. اف بی اف چندسال هست که اعلام کرده است که کسی حق دادن این دارو را به اطفال ندارد. با اینکه خودش این سازمان قبلش اعلام کرده بود که برای تب و سرماخوردگی به بچه هایتان بدهید. ولی الان گفته است ندهید چون مغز استخوان را از کار می اندازد و یک نوع کم خونی در بدن ایجاد می شود که دیگر جبران نمی شود.

یا بعضی قرص های دیگر آنقدر کشته داد که از چرخه دارویی حذف کردند.

پس ولو اینکه یک دارویی را سازمان غذایی و دارویی امریکا تایید کرده باشد و تجویز کرده باشد نباید اطمینان کرد و مصرف کرد.

یا یک دارویی را این سازمان گفته بود که ریزش مو را درمان می کند و باعث رشد مویش می شود. در ماه اول همه سرازیر شدند و چندین میلیارد دلار سود کرد.

 بعدا تحقیقات کردند که افرادیکه از این دارو استفاده کردند مبتلا به سرطان پوست شدند.

افرادیکه کف سرشان صاف هست و می خواهند مو در بیاورند چه کنند:

یک دوست همراه پیدا کنند و شمال بروند ( بشرطیکه بافت فولیکول مو در اثر آفتاب از بین نرفته باشد) ، یک چشم بند ببندند. یک پارچه ای را به دهانش هم ببندند. دستش را هم به درخت ببندند. سپس گیاه گزنه را با دستکش از ریشه بکند تا شلاق شود. به سرش با این گزنه شلاق به کف سرش بزند. چشم را بسته ایم تا این دانه های ریزخارش در چشم نریزد. نقاط مختلف سر را می زنیم تا سرخ شود. به مدت سه الی پنج دقیقه که زدید، همان باقی مانده گیاه را به کل کف سرش می مالید. بعد از چند دقیقه مشکلی ندارد. این کار را یک بار انجام دهید کافی است. اگر سوزش و التهاب در منزل ادامه پیدا کرد به نوعی که طاقتش را از بین برد، ماست را به کف سرش بمالید تا ده دقیقه بماند که التهاب را می خواباند. بعد از ده دقیقه سرش را بشویید. در مدت یکماه تا یکماه و نیم هیچ اتفاقی نمی افتد. سپس پرز در می آید، این پرز اگر درامد یعنی بافت فولیکول مو سالم بوده که درامده است حالا می توانید این پرز را تقویت کنید.

مراحل بعد برای تقویت از همین گزنه روغنش را درست می کنند یا جوشانده درست می کنند و کف سر می مالند. یا با زنجبیل می مالند. پس در مرحله اول برای همه درست می کنند. اگر سوزش را تحمل کند بهتر است. چون سوزش یعنی التهاب در پوست دارد ایجاد می شود و مغز فرمان می دهد که خون حمله کند و گلبول های سفید و قرمز به آنجا بیشتر می شود. پس خونرسانی به آن قسمت بیشتر می شود و ویتامین ها و املاح معدنی و آمینه به آن قسمت بیشتر می شود.

اگر پرزی ظاهر نشد، دیگر چیزی در نمی آید. بهترینش گزنه شمال هست.

از سال اول به دوستان دو تا موضوع را گفتم که هیچ وقت فراموش نکنید:

1 . یک درمان با طبایع داریم. درمان به ضد. گرم به سرد و سرد را به گرم

2 . بالخاصیه یا ذوالخاصیه این اثر را هم دارد.

مثلا زنجبیل گرم و خشک است و بالخاصیه ضد تهوع هست. یعنی شخص مزاجش هر چه که باشد، بالخاصیه این اثر را دارد.

این بالخاصیه همان ماده موثره هست.

در امریکا دوره درمان های گیاهی هست. مثلا می گویند این گیاه برای این بیماری خوب است و چیزی از مزاج هم نمی شناسند. کارهای تحقیقاتی زیادی هم در مفردات انجام داده اند.

پس لزوما بحث مزاجی در درمان نداریم.

نه به این معنا که بحث مزاج در درمان منتفی شود. مصلح برای همین است. ما یک داروی گرم را بخاطر خاصیتش به شخصی که گرم هم می دهیم. در اینجا مصلحش را هم می دهیم. مقداری آبلیمو یا سرکه یا ماست می دهیم.

هم از اثار مفید دارو در درمان بیماری استفاده کردیم و هم شخص دچار آسیب نشده است.

این مساله تحقیقات شده است و دلائل علمی پشت آن شده است.

این گزنه با مکانیسم خوب رسانی خون و تغذیه به فولیکول مو این کار انجام شده است.